

مجتهدہ معصومہ گُل گیری از لوازم تربیت نسل انقلابی با توجه به سیره اجتماعی حضرت زهرا (س) می گوید

# نسل انقلابی در آینه مادری

۲

حرم مطهر در انقلاب اسلامی

## همبستگی در «فلکه حضرت»

روز ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، امام خمینی طبق وعده‌ای که در بهشت زهرا(س) مبنی بر تعیین دولت داده بود، مهندس مهدی بازرگان را «بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و وابستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت موقت» کرد. این اقدام در واقع رسمیت بخشیدن به حکومتی برخاسته از اراده مردم بود که با پشتوانه مرجعیت و احکام دین مبین اسلام مستقر می‌شد و طومار رژیم استبدادی و سلطنتی را در هم می‌پیچید. تعیین نخست‌وزیر دولت موقت از سوی رهبر انقلاب،

موجی از شادی و سرور را در کشور به وجود آورد. با این حال، هنوز بقایای رژیم گذشته در پایتخت و برخی دیگر از نقاط کشور فعال بودند...



عکاس: علی‌اکبر کرمی

برگ زرینی از تاریخ انقلاب در خاطرات خادم حرم مطهر رضوی

## روزی که پیروزی را فریاد کشیدیم

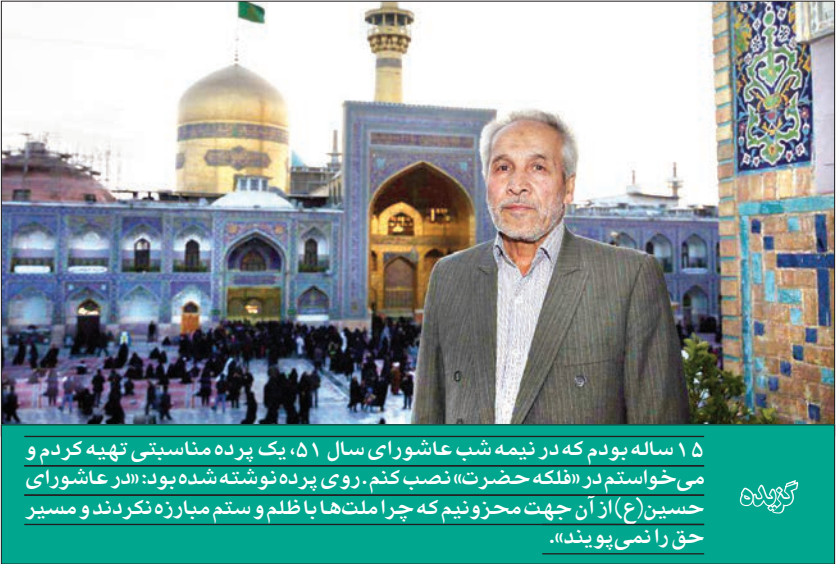
بی‌پشت و پناه، از پس شاه که آمریکا پشتیبانش است، برپایییم و پیروز شویم. آخرش ما را هم مثل دیگران زیر شکنجه می‌کشند و...». یک ساعت تمام به تشریح اوضاع ظلم و ستم و خفقان حاکم پرداخت و من هم که همه حرف‌هایش را درست می‌دیدم، تأیید می‌کردم.

من در تمام مدت فکر می‌کردم، با اینکه حرف‌هایش بر اساس حقیقت است ولی همه حقیقت نیست. می‌دیدم ما برای هدف و مقصد دیگری دست به قیام و مبارزه زدیم. وقتی نظرم را پرسید، یک باره این عبارت بر زبانم جاری شد که مگر تو در قرآن نخوانده‌ای؟ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ... انگار این آیه شریفه قرآن کریم، آبی بر آتش وجود من و او ریخت و آرامش خاصی بر قلب و وجودمان حاکم شد. آن روزها گذشت و ما پس از تحمل مدت محکومیت آزاد شدیم.

انقلابی حضرت امام(ره) دستگیر و در بازجویی‌های ساواک، تحت شکنجه‌های روحی و جسمی شدید قرار گرفتم. این بار به سه و نیم سال محکوم شدم. زمان بازجویی آن قدر از دست و پا آویزان می‌کردند که دست‌هایم سیاه و بی‌توان شده بود. ولی آن همه سختی و فشار را به خاطر آموزه‌های دینی تحمل کردیم و تغییری در باورها و مسیر حرکتمان ایجاد نشد.

■ از خاطرات دوران حبس برای ما تعریف کنید. چگونه این همه سختی را برای حفظ و حراست از اسلام تحمل می‌کردید؟

با قدرت باور و ایمان به خدا و صد البته با کمک و عنایت حضرت حق، تحمل آن همه سختی و فراز و نشیب ممکن شد. خاطرم هست اواسط تیرماه بود و اوج گرما. در زندان وسیله خنک‌کننده‌ای



۱۵ ساله بودم که در نیمه شب عاشورای سال ۵۱، یک پرده مناسبتی تهیه کردم و می‌خواستم در «فلکه حضرت» نصب کنم. روی پرده نوشته شده بود: «در عاشورای حسین(ع) از آن جهت محزونیم که چرا ملت‌ها با ظلم و ستم مبارزه نکردند و مسیر حق را نمی‌پویند».

تا اینکه سال ۵۷ رسید و آن راهپیمایی‌های عظیم و باشکوه مردمی به راه افتاد. وقتی همه تظاهرات‌کنندگان یک‌صدا فریاد می‌کشیدند: «بگو مرگ بر شاه»، من در میان خیل جمعیت، به یاد آن روز و به چشم دیدن تحقق وعده الهی، با چشمانی اشک‌بار فریاد می‌زدم: إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ... آن روز خاطره‌انگیز را هرگز فراموش نمی‌کنم.

نداشتیم، فقط به ذهنم رسید پیراهنم را درآورم و با چرخاندن آن کمی خنک شوم. محمد محمدزاده، دانشجوی مشهودی و یکی از هم‌سلولی‌هایم بود که با هم برای تحمل این داغی مفرط هوا و نشنیدن صدای داد و فریاد زندانیان تحت شکنجه، دور سلول شروع به قدم زدن کردیم و در عین حال شروع به صحبت کردیم. محمدزاده خطاب به من گفت «آقا، مگر شوخی است که ما چند جوان

سارا صالحی | روزهای مقارن با چهل و سومین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، اوقات مغممنی است تا با یکی از رادمردان دوران مبارزه با نظام طاغوت، «رضا شرکت توتونچی» معروف به «رضا توکی» که سال‌ها توفیق خدمتگزاری در بارگاه نورانی امام هشتم را دارد، کمی به گذشته‌ها برگردیم و برگي از تاریخ معاصر کشورمان را از خلال خاطراتش ورق بزنیم.

■ هر یک از همدوره‌های شما با یک ماجرای به سیل خروشان انقلاب پیوستند. ارتباط شما با جریان‌های انقلابی از کجا و چه رویداد تاریخی شروع شد؟

نخستین خاطرات من با جریان انقلاب، به صبح کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ برمی‌گردد. زمانی که بچه‌ای ۶-۷ ساله بیشتر نبودم و خانه مادربرزگم میهمان بودیم. یک باره صدای کامیون‌های مملو از آدم از خیابان به گوشمان رسید که شعار می‌دادند: «درود بر مصدق» و ... . در کمال تعجب دیدیم که همان افراد و کامیون‌ها بعدازظهر آمدند، در حالی که این بار شعار می‌دادند: «مرگ بر مصدق!» این تعارض همیشه از کودکی برایم سؤال بود.

یک واقعه مهم دیگر که زمینه آشنایی و پیوندم را با جریان‌های نهضت اسلامی مهیا کرد، دو بار سفر شهید نواب صفوی در سال ۱۳۳۳ به شهر مشهد بود. همراه پدرم به سخنرانی ایشان در مدرسه نواب صفوی رفتم که یکی از خاطرات پرنرگ و اثرگذار عمرم از آن دوران است.

■ زندگی شما دقیقاً از کجا به صورت جدی به مبارزه گره خورد و به عنوان یک شخص مؤثر نقش‌آفرین بودید؟

۱۵ ساله بودم که در نیمه شب عاشورای سال ۵۱، یک پرده مناسبتی تهیه کردم و می‌خواستم در «فلکه حضرت» نصب کنم. روی پرده نوشته شده بود: «در عاشورای حسین(ع) از آن جهت محزونیم که چرا ملت‌ها با ظلم و ستم مبارزه نکردند و مسیر حق را نمی‌پویند». متأسفانه همان شب دستگیر و فردایش تحویل دژخیمان ساواک شدم و پس از محکومیت، به مدت سه ماه زندانی کشیدیم.

چند ماه پس از آزادی، به خاطر انتشار اعلامیه‌های



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

| سال اول | ویژه نامه ۲۷۱ |

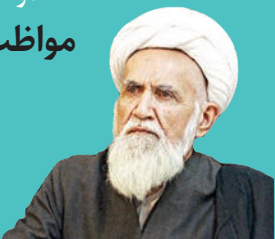
موضع/ آیت‌الله حائری شیرازی

مواظب باشید ایمانتان

وسط دشمنی‌ها

له نشود

۲



رئیس میز سبک زندگی دفتر تبلیغات اسلامی مطرح کرد

مدل معنویت اسلامی باید

از متن قرآن و دعا کشف شود

۳

حجت‌الاسلام علی شفیعی مطرح کرد

«غیرت» برای تحفظ است

نه از بین بردن دیگری

۲

دفتر اول کتاب «رهبانیت متعالی اسلامی» بررسی می‌کند

آیا رهبانیت تنها به دین

عیسوی اختصاص دارد؟

۳

همایش‌ها

بزرگداشت مرحوم

آیت الله عبدخدایی در تبریز



همایش بزرگداشت مرحوم آیت‌الله شیخ غلامحسین تبریزی (عبدخدایی) با همکاری سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی، در شهر تبریز برگزار شد.

به گزارش آستان‌نیوز، در این همایش بزرگان علم، ادب و اندیشه و شخصیت‌های حوزوی و دینی استان آذربایجان شرقی، فرزندان مرحوم آیت‌الله شیخ غلامحسین تبریزی و پژوهشگران برجسته دینی در سازمان تبلیغات اسلامی شهر تبریز حضور داشتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی آل‌هاشم؛ نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز در ابتدای این همایش با بیان اینکه الگوها و اسوه‌های علم و تقوای حوزه علمیه تبریز تلاش‌های ارزشمندی در زمینه معرفی بزرگان ارائه داده است، گفت: باید برای نسل امروز نگرش این شخصیت‌های دینی که در تکیاوی فراگیری دانش دین بوده و ضمن دغدغه شناخت درست از نادرست، آهنگ حرکت به سوی نور را دنبال می‌کنند، شناسانده شود.

وی اظهار کرد: نسل امروز باید بداند و درک کند که دین‌باوران و عاشقان سر از پا نشناخته تلاش کردند و برای حفظ دین از گزند ناپاکی‌ها، آوارگی‌ها و سختی‌های بسیاری را تحمل کردند، آنان هیچ گاه در این راه دچار لغزش نشدند، دین را به دنیا نفروختند و به جلوه‌های فریبنده آن پشت کردند.

وی افزود: تلاش جانفرسای این شخصیت اسلامی علیه حاکمان ستم‌پیشه بر کسی پوشیده نیست آنان که با جریان‌های دینی ۱۰۰ساله این مرز و بوم آشنایی دارند به تلاش‌ها، آرا و اندیشه‌های ایشان اعتراف دارند؛ چرا که ایشان در سخت‌ترین دوران در جریان اوج‌گیری افکار و اندیشه‌های انحرافی با تمام توان از مبانی اسلامی به دفاع برخاستند و به همین جهت با اخلاق و رفتار خود نفوذ عمیقی نسبت به افکار عمومی مردم داشتند.

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان آذربایجان شرقی نیز در ادامه این همایش گفت: تجلیل از مقام علما از وظایف قطعی ما محسوب می‌شود و باید در زمان حیات این عزیزان چنین مراسم‌هایی برگزار شود و بهتر است از وجود و بیانات خودشان در همایش‌ها و بزرگداشت‌ها نهایت بهره‌مندی را داشته باشیم.

منبرمجازی

وعده‌های بی‌عمل



حجت‌الاسلام فرحزاد | ببینیم چه نکاتی را

باید در گفت‌وگو و حرف زدن رعایت کرد؟

اول... «ولایتفق مالیس لک به علم» ... اینکه انسان هر چه را شنید بگوید، اصلاً خوب نیست؛ چرا که باید برود تحقیق کند و اگر هم ثابت شد، ببیند آبروی کسی در آن حرف نباشد، موضوعی نباشد که غیبت باشد، ببیند گفتنش صلاح است یا صلاح نیست، پیش از گفتن برانداز کند و اگر وظیفه دارد، بگوید والا نباید بگوید. یکی دیگر اینکه خدای متعال می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون»، چرا چیزی را که انجام نمی‌دهید می‌گویید؟ گفتار ما باید با عمل همراه باشد؛ وعده‌هایی که می‌دهیم؛ عهد و قول و قرارهایی که می‌گذاریم، مراسمی که با قرارداد منعقد می‌کنیم؛ چه حقوقی و چه حقیقی و یا در عقد و ازدواج؛ قول و قرارهایی که می‌گذاریم و می‌بندیم... گفتارمان باید با عملمان توأم باشد یعنی اگر وعده می‌دهم که ۶ماهه یا یک‌ساله فلان کار را تحویل می‌دهم پنج روزه اینجا را نقاشی می‌کنم و بعد ۶ ماه پولش بدهیم، این نهی شدید شده است، وعده و قول و قراردادهایی که نمی‌توانیم عمل کنیم یا عمل نمی‌کنیم ؛ این حرام مسلم است. به بچه وعده می‌دهی برایت دوچرخه می‌خرم یا فلان کار را می‌کنم، به خانمت وعده می‌دهی برایت طلا می‌خرم، تو که می‌دانی در توانت نیست چرا قول‌های بی‌خود می‌دهی؟ این خودش گناه کبیره است. سوم... «قولوا للناس حسنا» ... حرف قشنگ و پسندیده بگویید. با مردم قشنگ صحبت کنید. این خیلی دل‌ها را جذب می‌کند، خیلی غائله‌ها را می‌خواباند... مثل حکایت سلطانی که پیرمردی را دید دارد درخت زیتون می‌کارد، خیلی تعجب کرد گفت تو رو به قبله هستی، الان دیگر باید کفن و قبرت را آماده کنی و دنبال کارهای آخرت بروی... چون زیتون دیر بار می‌دهد، پیرمرد گفت قبله عالم! دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما بکاریم و دیگران بخورند. پادشاه از این حرف زیباییاش خوشش آمد و گفت به خاطر حرف زیبا و حکیمانه هزار درهم به او جایزه دهند.

فرهنگسرا در دهه مبارک فجر دیدار با خانواده شهدا، کمک‌های مؤمنانه و اهدای ارزاق به خانواده‌های کم‌درآمد و همچنین تسویه حساب‌های دفتری خانواده‌های کم‌برخوردار منطقه بوده است.

مهر در پایان خبر نوشته: علاقه‌مندانی که مایلند در چنین فعالیت‌هایی مشارکت داشته باشند می‌توانند با روابط عمومی فرهنگسرای قرآن با شماره تلفن ۵۵۷۸۱۱۵۵ تماس بگیرند.

از این طریق سهمی در کمک به بهبود وضع سلامت روحی و روانی آنان داشته و همچنین در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نقشی ایفا کنند.

به همین خاطر فعلاً هزار جلد کتاب توسط کتابخانه «هدی» آماده و بسته‌بندی شده و با هماهنگی معاونت اجتماعی شهرداری تحویل گرمخانه‌های مختلف در استان تهران شده است.

از دیگر برنامه‌های جهادی این

به جای گرم و غذای گرم نمی‌دانند. «مهر» نوشته است فرهنگسرای قرآن در راستای انجام فعالیت‌های جهادی در ایام دهه فجر به گرمخانه‌های تهران، کتاب اهدا کرده است یعنی همان کاری که چند ماه پیش سندجی‌ها در گرمخانه شهرشان کردند. مسئولان فرهنگسرای قرآن می‌گویند حالا که برای جای خواب و غذای آسیب‌دیدگان اجتماعی کاری انجام شده، چرا نباید به فکر نیازهای دیگرشان هم بود؟ آن‌ها می‌خواهند

کار خوب و فعالیت جهادی همیشه خوب و قشنگ است اما گاهی بعضی از کارهای جهادی و یا فعالیت‌های خیرخواهانه می‌تواند قشنگ‌تر هم باشد. شاید فکر کنید آسیب‌دیدگان اجتماعی و آن‌هایی که در گرمخانه‌ها ساکن می‌شوند تنها نیازشان یک وعده غذای گرم، امنیت و جایی برای خواب است. اما دست‌اندرکاران « فرهنگسرای قرآن» مثل من و شما فکر نمی‌کنند. آن‌ها نیازهای آسیب‌دیدگان اجتماعی را محدود

خبر



خبرهای

حال خوب کن